

بسمه تعالی

فرم الف

مدیریت کل تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید چمران اهواز
پایان نامه تحصیلی در قالب طرح پژوهشی
(فرم گردش کار)

نام و نام خانوادگی استاد راهنما (مجری طرح): دکتر رضا
خجسته مهر

مرتبه علمی: دانشیار گروه: مشاوره دانشکده:
علوم تربیتی و روان شناسی

نام و نام خانوادگی دانشجو: رزگارمحمدی شماره دانشجوئی:
9276105 گرایش تحصیلی: مشاوره خانواده

مقطع تحصیلی: دکتری کارشناسی ارشد

عنوان پیشنهادی پایان نامه (موضوع طرح پژوهشی):
بررسی تجربه فداکاری در ازدواج های بلند مدت : یک مطالعه
پدیدارشناسی توصیفی

ماهیت پایان نامه: نظری عملی کاربردی- عملی

کاربردی - نظری

جمع هزینه های پیشنهادی اجرای طرح
.....

مدیر محترم گروه:

خواهشمند است فرم پیشنهادی پایان نامه ضمیمه (فرم ب) را در قالب طرح پژوهشی بررسی و نتیجه را اعلام فرمایند.

امضاء استاد: _____
امضاء دانشجو: _____
تاریخ: _____

معاون محترم پژوهشی - تحصیلات تکمیلی دانشکده:

احتراماً، بدینوسیله به اطلاع می‌رساند طرح پژوهشی فوق در شورای تحصیلات تکمیلی گروه مورخ
.....

مطرح و نتیجه بحث و بررسی به صورت ذیل جهت اقدامات بعدی اعلام شد.

□ مورد تصویب قرار گرفت □ با اصلاحات به عمل آمده تصویب شد.

ضمناً ماهیت این پایان نامه است و هزینه اجرای طرح و پیشنهاد می‌شود.

نام و نام خانوادگی مدیر گروه:

تاریخ: _____
امضاء: _____

مدیریت محترم تحصیلات تکمیلی دانشگاه

طرح پیشنهادی فوق در جلسه مورخ
..... شورای تحصیلات تکمیلی دانشکده
.....

مورد بررسی قرار گرفت. بنابراین خواهشمند است ترتیبی اتخاذ فرمایند تا اقدامات بعدی صورت گیرد.

ضمناً ماهیت این طرح..... و
هزینه اجرای آن و اعلام شد.
نام و نام خانوادگی معاون پژوهشی- تحصیلات تکمیلی دانشکده:
..... تاریخ.....
امضاء

طرح پژوهشی فوق در قالب پایان نامه تحصیلی در جلسه مورخ
..... شورای تحصیلات تکمیلی دانشگاه به
تصویب نهایی رسید و همراه با کلیه ضمیمات
(در..... صفحه) جهت ابلاغ به استاد راهنمای دانشجو و
انعقاد قرارداد برای معاونت محترم پژوهشی دانشگاه ارسال
شد . ماهیت طرح..... و هزینه اجرای آن
..... و تصویب گردید.

نام و نام خانوادگی مدیر کل تحصیلات تکمیلی
دانشگاه..... تاریخ.....
امضاء.....

بسمه تعالی

فرم ب

مدیریت کل تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید چمران اهواز
فرم پیشنهادی پایان نامه تحصیلی کارشناسی ارشد و دکتری
(در قالب طرح پژوهشی)

نام و نام خانوادگی استاد راهنما: دکتر رضا خجسته مهر

مرتبۀ علمی: دانشیار

رشته تخصصی: روانشناسی گروه آموزشی: مشاوره

دانشکده: علوم تربیتی و روانشناسی

نام و نام خانوادگی دانشجو: رزگار محمدی

شماره دانشجویی: 9276105 گرایش تحصیلی: مشاوره

مقطع تحصیلی: دکتری کارشناسی ارشد

الف: - اطلاعات مربوط به پایان نامه پیشنهادی: *

عنوان پایان نامه (به فارسی و انگلیسی):

فارسی:

بررسی تجربه فداکاری در ازدواج های بلند مدت : یک مطالعه

پدیدارشناسی توصیفی

انگلیسی:

The experience of sacrifice in long term marriage : A descriptive
phenomenological study

تعریف مسأله، فرضیه ها و اهداف (به طور خیلی خلاصه) :

پیوست می باشد.

شرح روش اجرای تحقیق:

پیوست می باشد.

پیشینه موضوع در ایران و جهان با ذکر منابع معتبر:

پیوست می‌باشد.

- نوع کار تحقیقاتی نظری عملی کاربردی-عملی
 کاربردی-نظری

مدت اجرا، تاریخ شروع و برنامه زمان بندی پیشرفت کار:

مدت اجرا: تاریخ شروع: تاریخ خاتمه:

* در صورت لزوم جزئیات مربوط به "پایان نامه پیشنهادی" در قالب طرح پژوهشی را به پیوست ارسال فرمایید.

ب- عناوین سایر پایان نامه‌های در دست اجرا:

<u>عنوان</u>	<u>نام دانشجو</u>	<u>مقطع</u>
--------------	-------------------	-------------

(1)

(2)

(3)

(4)

(5)

(6)

ج- مشخصات استاد راهنمای دوم :

نام و نام خانوادگی: دکتر منصور سودانی

مرتبه

علمی: دانشیار رشته تخصصی: مشاوره

گروه آموزشی: مشاوره دانشکده: روانشناسی

وعلوم تربیتی

نشانی: دانشگاه شهیدچمران اهواز

تلفن:

مشخصات استاد مشاور :

نام و نام خانوادگی: دکتر ذبیح الله عباسپور

مرتبه علمی: استادیار رشته تخصصی: مشاوره

گروه آموزشی: مشاوره دانشکده: روانشناسی و

علوم تربیتی

نشانی: دانشگاه شهید چمران اهواز تلفن:

د- هزینه‌های بیش‌بینی شده (با ذکر مورد):

1-	جمعاً	ریال
2-	جمعاً	ریال
3-	جمعاً	ریال
4-	جمعاً	ریال
5-	جمعاً	ریال

جمع کل
ریال

نام و نام خانوادگی استاد راهنما (مجری طرح): دکتر رضا

خجسته مهر

تاریخ:

امضاء:

مقدمه

دلایل خوبی برای استقبال از روابط زناشویی وجود دارد، یافته‌های آشکاری وجود دارد که نشان می‌دهد ازدواج و رابطه زناشویی مزیت‌های زیادی برای زوجین و کودکانشان دارد. تحلیل داده‌هایی در مورد بهزیستی روان‌شناختی¹ و زناشویی از نوزده کشور جهان نشان داد که به صورت تقریبی

1 psychological well-being

مردان و زنان متأهل شادی و رضایتمندی بیشتری نسبت به کسانی که مجرد یا طلاق گرفته بودند، گزارش کرده‌اند (ماسکاسا¹ 1994)؛ اما به دلایلی بعضی از ازدواج‌ها پایدار نمی‌ماند و به شکست می‌انجامد، گاتمن² (1993) نشان داد که ازهم‌پاشیده شدن ازدواج ارتباط قوی با افزایش مشکلات روانی و کاهش سلامت فیزیکی و افت موقعیت اجتماعی و اقتصادی برای همه افراد درگیر (کودکان، زنان و مردان) دارد. در دهه‌های اخیر محققان به کشف عواملی که باعث کیفیت زناشویی و ثبات و دوام ازدواج می‌شود توجه نشان داده‌اند (فینچام، استنلی و پیچ³، 2007). یکی از این عواملی ممکن است در کیفیت و دوام ازدواج تأثیر داشته باشد فداکاری است.

بسیاری از دانشمندان علت بسیاری از اختلافات زناشویی را فردگرایی‌ای دانسته‌اند که امروزه در زندگی زناشویی رواج یافته است (فیگورس⁴، 2008). بحر و بحر⁵ (2001)؛ به نقل از سلطان‌زاده، 1391) اظهار کرده‌اند که مواجه شدن زوج‌ها، در جریان روابطشان، با موقعیت‌هایی که در آن منافع یا نیازهای متضاد در برابر هم قرار می‌گیرند، گریزناپذیر است. با این حال در زندگی زناشویی و در مواقعی که زوج‌ها در تضاد برای برآورده کردن نیازهایشان قرار می‌گیرند؛ یکی از زوج‌ها ممکن است از فعالیت موردعلاقه یا منفعت شخصی خود چشم‌پوشی کند و اولویت را به خواسته‌های شریک زندگی‌اش دهد. این همان چیزی است که اگر اتفاق بیافتد موفقیت در زندگی زناشویی را افزایش می‌دهد (استنلی، وایتون، سادبری، کلمنت

2 Mastekaasa

3 Gottman

4 Fincham, Stanley, Pitch

5. Figuerres

6 Bahr & Bahr

و مارکمن¹، 2006) و بر کیفیت زناشویی اثر مثبت دارد (فیگورس، 2008) که می‌توان آن را فداکاری² نامید (امپت و گوردون³، 2008).

فداکاری در معنای عمومی لغت به مفهوم صرفنظر کردن از خواسته‌ها و منافع شخصی به نفع شریک یا به نفع حفظ و تقویت رابطه است. به عبارت بهتر: فداکاری این‌گونه تعریف شده است: فراموش کردن و چشم‌پوشی از فعالیت و رفتاری که فرد خواهان آن هست، یا عمل کردن به‌گونه‌ای که مطلوب فرد نیست و یا هر دو مورد. فداکاری می‌تواند به حالت فعال⁴ یا منفعلانه⁵ انجام گیرد. فداکاری فعال به معنای انجام رفتارهایی است که فرد فداکار به‌خود خود آن رفتارها را نامطلوب می‌داند اما به خاطر آسایش شریک زندگی و یا به نفع حفظ رابطه فرد اقدام به انجام آن رفتارها می‌نماید. فداکاری منفعلانه به معنای صرفنظر کردن از انجام فعالیتها و رفتارهای دلخواه به خاطر آسایش و رفاه شریک زندگی یا رابطه هست. اعمال و رفتارهای فداکارانه در ماهیت و نوع، شدت و مقدار متفاوت‌اند. ممکن است خیلی گذرا و ناچیز و در خصوص موقعیت‌های ویژه‌ای باشد مانند نگاه کردن به فیلمی که همسر فرد به آن علاقه دارد اما خود فرد علاقه‌ای به تماشای آن ندارد و یا خیلی بزرگ، مهم و اساسی باشد مانند تغییر دادن محل زندگی به خاطر شغل همسر؛ همه در چهارچوب تعریف فداکاری می‌گنجد (ون‌لانگ، رازبالت، دریگوتاس، اری-ایچ، ویکر و کاکس⁶، 1997). تمایز دیگری که به رفتارهای فداکارانه

1 Clements, Whitton & Markman

2 Sacrifice

3 Impett, Gordon

4 Active Sacrifice

5 Passive sacrifice

6 Van Lange, Rusbult, Drigotas, Arriaga, Witcher & Cox

اختصاص داده شده است عبارت است از فداکاری‌های اصلی یا عمده¹ و فداکاری‌های روزمره². روابط زوجین علاوه بر فداکاری‌های عمده و مهم (همچون نقل‌مکان از شهری به شهر دیگر به خاطر شغل جدید همسر) به رفتارهای فداکارانه نسبتاً کوچک نیز احتیاج دارد. این فداکاری‌های کوچک هنگامی ضرورت پیدا می‌کنند که علایق همسران در خصوص مسائلی همچون انتخاب غذا یا انتخاب فیلم برای تماشا کردن با یکدیگر تضاد پیدا می‌کند (ایمپت، گیبل و پپلو³، 2005).

موج تحقیقات گذشته در مورد اهمیت فداکاری (لی و زانگ⁴، 2015؛ رایجت، بالیت و وایزمن⁵، 2015؛ امپت، گر، کوگان، گوردون کیلتنر⁶، 2013؛ لی و امپت، 2013؛ راپل و کوران⁷، 2012؛ امپت، کوگان، انکلش⁸، جاون⁹، اویس¹⁰، گوردن و کلتنر، 2012؛ امپت، جاوام¹¹، لی، آسیابی - عشقی¹² و کوگان، 2012؛ امپت و گوردون، 2010؛ امپت، گوردون، کوگان، اویس، گابل¹³ و کلتنر، 2010؛ چن ولی 2007؛ استنلی، مارکمن و ویتون؛ 2007؛ استانلی، وایتون، سادبری، کلمنت و مارکمن، 2006؛ ایمپت، گیبل و پپلو، 2005؛ ویزلکوویست، رازبالت، فوستر و اگینیو¹⁴، 1999؛ ون‌لانگ، آگینیو، هرینگ و استمرز¹⁵، 1997؛

7 major sacrifice

8 daily sacrifice

1 Impett, Gable, & Peplau

2 Le & Zhang

3 Righetti, Balliet, & Visserman

4 Gere, Kogan, & Keltner

5 Ruppel & Curran

6 English

7 John

8 Oveis

9 Javam

10 Asyabi-Eshghi

11 Gable

12 Wieselquist, Foster

13 Van Lange, Agnew, Harink & Steemers

ونلانگ، رازبالت، دریگوتاس، اری-ایچ، ویکر وکاکس، 1997؛ استنلی و مارکمن، 1992، خجسته مهر، کراچیان و شیرآلی نیا، 1393، خجسته مهر، نوکاریزی نیا و شیر آلی نیا، 1393، سلطانزاده، 1391، کاوند، 1390) نشان داده است که فداکاری عامل مهمی در کیفیت روابط زناشویی و دوام ازدواج است، اما تاکنون تحقیق مستقلی به بررسی تجربه زیسته فداکاری و معنای آن در زندگی زناشویی نپرداخته است که نشان می‌دهد نیاز به بررسی عمیق‌تر این پدیده برای فهم تجربه زنان مردان متأهل در بافت روابط زناشویی هنوز وجود دارد و یک خلأ در تحقیقات گذشته است. به همین دلیل پژوهش حاضر تلاش دارد تا از طریق روش تحقیق کیفی پدیدارشناسی توصیفی¹ به بررسی تجربه زیسته پدیده فداکاری در بافت ازدواج‌های بلندمدت بپردازد و توصیف افراد متأهل را از این پدیده روشن سازد.

بیان مسئله

سلیگمن² (2001) راه‌های برون‌رفت از معضلات روانشناسی را برداشتن تمرکز بر جنبه‌های منفی و انتقال تمرکز بر هیجان‌های مثبت، صفات مثبت، نقاط قوت، استعدادها می‌داند. در سال 2007 نیز سه نفر از پژوهشگران برجسته روابط زوج‌ها در مجله ازدواج و خانواده³ اظهار داشتند که شواهد فراوان به دست آمده در زمینه تعارض و اختلاف میان زوج‌ها نشان می‌دهد که تأثیر این تعارضات در روابط بلندمدت زوج‌ها آنقدرها هم که تصور می‌شود تعیین‌کننده نیست. آن‌ها این مسئله را مطرح کردند که می‌توان با تغییر در کانون توجه مطالعات از جنبه‌های منفی مشکلات به سمت معانی و انگیزه‌های

1 Descriptive phenomenology

2 Silgman.

3 Journal of Marriage and Family

عمیق‌تر در روابط و ساخت‌های مثبت زیربنایی رفتارها که می‌توانند به تقویت و بازسازی روابط کمک کنند، درک بهتری از روابط زوج‌ها به دست آورد (فینچام، استنلی و بیچ، 2007). در زمینه ازدواج نیز توجه به فداکاری و مفاهیم مثبت به‌جای تمرکز صرف بر مفاهیم و ساخت‌های¹ منفی همچون تعارض² تحول جدیدی است که فداکاری را به‌عنوان یک رفتار مثبت در روابط زناشویی معرفی می‌کند که موجب قوت بخشیدن به ازدواج می‌شود (استانلی و مارکمن، 1992). مبحث فداکاری به چندین دلیل از اهمیت بالایی برخوردار است. اول اینکه مواجهه زوجین با موقعیت‌هایی که علایق و نیازهایشان با یکدیگر همسو نیست، اجتناب‌ناپذیر است. دوم اینکه فداکاری مقوله‌ای است که هرکسی با آن سروکار دارد. سوم اینکه تغییر نقش‌های جنسیتی در جوامع امروزی که منجر به تأکید بیشتر بر استقلال و عدم وابستگی زنان شده، ممکن است احتمال بروز تعارض در روابط رمانتیک و عاشقانه زن و مرد را افزایش دهد. در واقع آموختن ماهیت رفتارهای فداکارانه سالم، برای هر یک از زوجین قبل از هر چیز دیگری ضروری به نظر می‌رسد (ایمپت و گوردون، 2008).

نظریه وابستگی متقابل³ (کلی، 1979؛ کلی و تیبت⁴، 1978؛ کلی، هولمز⁵، کر⁶، ریس، راسبالت و ونلانگ، 2003، به نقل از خجسته مهر و دیگران، 1393) مهم‌ترین الگوی راهنمای اکثر تحقیقات مربوط به فداکاری در روابط است. این نظریه بیان می‌کند که در روابط گاهی اوقات نیاز است که افراد از

4 Construct
5 Conflict
1 interdependence
2 Thibaut
3 Holmes
4 Kerr

بعضی از ترجیحات خود به نفع رابطه‌ای که باهم دارند چشم‌پوشی کنند. اگر علایق زوجین مشابه باشد فداکاری ضرورتی ندارد. از سوی دیگر زمانی که علایق زوجین باهم متفاوت است، افراد ناگزیر می‌شوند بین علایق خودشان و فداکاری برای همسرشان یک‌چیز را انتخاب کنند. اندرسون و سباتلی¹ (2007) معتقدند روابط شخصی نزدیک مستلزم درجه زیادی از وابستگی متقابل است. هدف از این روابط کسب و حفظ میزان بالایی از صمیمیت است بنابراین بسیار مهم است که افراد صرفاً به فکر برآوردن علایق شخصی خود باشند. در این‌گونه روابط، اعتماد و تعهد به‌طور مداوم حفظ‌شده و گسترش پیدا کرده و افراد این عقیده را پیدا می‌کنند که این نوع رابطه یکی از الزامات خاص و منحصر به فرد و معرف رابطه مادام‌العمر زندگی است. تحقیقات تجربی اخیر این واقعیت را نشان می‌دهند که فداکاری باعث افزایش موفقیت زناشویی می‌شود همچنین بین فداکاری و عملکرد رابطه خوب، ارتباط وجود دارد و فداکاری باعث افزایش رضایت و احتمالاً دوام رابطه زناشویی در طول زمان می‌شود (استنلی و مارکمن، 1992؛ ونلانگ و دیگران، 1997؛ استنلی و دیگران، 2006؛ ویزلکویست و دیگران، 1999). در این تحقیقات ارتباط فداکاری با تعهد به اثبات رسیده است و نشان داده شده است افرادی که تعهد بالایی در روابط دارند بیشتر میل به فداکاری دارند نسبت به کسانی که لایه‌های پایینی از تعهد دارند و تعهد بالا پیش‌بینی کننده قوی میل به فداکاری است (وان لانگ، آگنیو و دیگران، 1997؛ وان لانگ، روزولت و دیگران، 1997؛ وایزل کویست و دیگران، 1999). در تحقیقاتی که تاکنون در مورد فداکاری صورت گرفته است ادراک فرد از رفتار فداکارانه همسر و ادراک خود

5 Anderson & Sabatelli

از فداکاری مهم تشخیص داده شده است و اینکه فرد چه انگیزه‌ای برای فداکاری دارد در کیفیت رابطه بسیار مهم دانسته شده است (وایتون، استنلی، مارکمن، 2007؛ استنلی و دیگران، 2006؛ اندرسون و سباتلی، 2007). در واقع کیفیت رابطه به‌طور مثبتی با داشتن عقاید مثبت در مورد فداکاری، ارتباط دارد (استنلی، مارکمن، 1992، ونلانگ و دیگران، 1997). تحقیقات بر این حقیقت دلالت دارند که افراد هنگامی که متوجه شوند همسرشان برای فداکاری نسبت به آنان راغب هست، تمایل بیشتری به انجام رفتارهای فداکارانه از خود نشان می‌دهند (ونلانگ، اگنیو و همکاران، 1997؛ ویزلکست و همکاران، 1999). در تحقیقات دیگر نقش انگیزه فداکاری در کیفیت رابطه مهم تشخیص داده شده است به این معنا که فرد چرا فداکاری می‌کند؟ در این پژوهش‌ها بیان شده است انگیزه‌های استقبالی¹ (فداکاری کردن باهدف جست‌وجوی پیامدهای مثبتی چون شاد کردن دیگران یا صمیمیت بیشتر در رابطه) فداکاری باکیفیت زناشویی رابطه مثبت و انگیزه‌های اجتنابی² (فداکاری باهدف اجتناب از پیامدهای منفی همچون تعارض، نارضایتی و یا کاهش علاقه و رغبت دیگری نسبت به رابطه) باکیفیت زناشویی رابطه منفی دارند؛ بنابراین پژوهش‌ها نشان داده است که خود فداکاری برای رابطه مضر نیست اما انگیزه‌های فداکاری به کیفیت رابطه آسیب می‌رساند (امپت و دیگران، 2005، امپت، کوگان و دیگران، 2012؛ گوردون و دیگران، 2010، امپت، گر و همکاران، 2012، سلطان‌زاده، 1391) بنابراین اینکه فرد چه برداشت و ادراکی از رفتارهای فداکارانه خود و شریک زندگی‌اش دارد

1 Approach motiveness

2 Avoidance motiveness

می‌تواند تأثیرات متفاوتی بر رضایت او از رابطه داشته باشد و احساس متفاوتی را نسبت به رفتارهای فداکارانه در او به وجود آورد.

شکاف ادبیات مرتبط به فداکاری در تحقیقات گذشته این است که تاکنون در تحقیقات داخلی و خارجی با کلیدواژه‌های محقق در پایگاه‌های داخلی و خارجی جستجوی محقق به صورت مستقل در مورد تجربه زیسته فداکاری در زندگی زناشویی انجام نشده است. مطالعاتی که تاکنون در مورد فداکاری انجام شده است به صورت مطالعه کمی به شکل مقطعی و تجربی (امپت، گر و دیگران، 2013؛ لی و امپت، 2013؛ راپل و کوران، 2012؛ امپت، گوگان و همکاران، 2012؛ امپت، جاوام و همکاران، 2012؛ امپت و گوردون، 2010؛ امپت، کوگان، اویس و دیگران، 2010؛ ایمپت، گیبیل و پپلو، 2005) یا نقش فداکاری به عنوان متغیر واسطه‌ای در روابط زناشویی (وایسل کوئیست و دیگران، 1999، وان لانگ و دیگران، 1997، استانلی و دیگران، 2006، زانگ ولی 2015، خجسته مهر و دیگران، 1993، سلطان زاده، 1391، کاوند، 1390) بوده است؛ اما روش‌های کمی نمی‌توانند به همه سؤالات پژوهش‌ها پاسخ دهد، بعضی از سؤالات در پژوهش‌ها تنها به وسیله روش‌های کیفی پاسخ داده می‌شوند مانند این‌که تجربه زیسته افراد از یک پدیده چیست؟ (پاتون¹، 2002). از دیدگاه روش‌شناسان کیفی (موستاکاس²، 1994؛ وان مانن³، 1997؛ کروتی⁴، 1998؛ پاتون، 2002؛ کرسول⁵، 2007) عصاره پدیدارشناسی مطالعه تجربه زیسته افراد از پدیده‌ها است. تاکنون اهمیت ادراک

1 Patton

2 Moustakas

3 Van manen

4 Crotty

5 Cerswel

فداکاری به شکل کمی در تحقیقات گذشته (لی و زانگ، 2015؛ رایجت، بالیت و وایزمن 2015؛ امپت، گر، کوگان، گوردون کیلتنر، 2013؛ لی و امپت، 2013؛ راپل و کوران، 2012؛ امپت، گوگان، انکلیش، جاون، اویس، گوردن و کلتنر، 2012؛ امپت، جاوام، لی، آسیابی-عشقی و کوگان، 2012؛ امپت و گوردون، 2010؛ امپت، گوردون، کوگان، اویس، گابل و کلتنر، 2010؛ چن ولی، 2007؛ استنلی، مارکمن و ویتون؛ 2007؛ استانلی، وایتون، سادبری، کلمنت و مارکمن، 2006؛ ایمپت، گیبیل و پپلو، 2005؛ ویزلکویست، رازبالت، فوستر و اگینیو، 1999؛ ونلانگ، آگینیو، هرینگ و استمرز، 1997؛ ونلانگ، رازبالت، دریگوتاس، اری-ایچ، ویکر و کاکس، 1997؛ استنلی و مارکمن، 1992، خجسته مهر، کراچیان و شیرآلی نیا، 1393، خجسته مهر، نوکاریزی نیا و شیر آلی نیا، 1393، سلطانزاده، 1391، کاوند، 1390) نشان داده شده است اما ادراک فداکاری و معنای آن به شکل کیفی تاکنون در پژوهش‌های گذشته انجام نشده است. در صورتی که کرسول (2007) اظهار می‌کند که مطالعه عمیق معنای پدیده‌ها با روش کیفی امکان‌پذیر است. در حالی که تحقیقات کمی به مطالعه گستره پدیده می‌پردازد از سویی دیگر معنای پدیده از طریق رویکرد پدیدارشناسی بررسی می‌شود (موستاکاس، 2004). تحقیقات گذشته گستره فداکاری را در روابط زناشویی و صمیمانه نشان داده‌اند اکنون نیاز است به مطالعه عمیق تجربه فداکاری در ازدواج‌های بلندمدت پرداخته شود، با کاربرد روش پدیدارشناسی تجربه زیسته افراد از فداکاری در ازدواج مشخص می‌شود.

از سویی دیگر در رفتار فداکارانه ملاحظات فرهنگی وجود دارد (چن ولی 2007؛ ایمپت وگوردون، 2008؛ لی و زانگ، 2015). در جوامع جمع‌گرا¹ تأکید بر اهداف جمعی و گروهی است، درحالی‌که در جوامع فردگرا² تأکید بر نیازها و اهداف شخصی است. افراد با داشتن جهت‌گیری جمعی به احتمال بیشتری اهداف و نیازهای خود را فدای اهداف گروهی می‌کنند تا افرادی که جهت‌گیری آن‌ها مبتنی بر فردگرایی هست (بریلی³ و وایر⁴، 2001؛ مارکوس⁵ و کیتایاما⁶، 1991؛ به نقل از ایمپت و گوردون، 2008). تحقیقات بر روی فداکاری تاکنون بیشتر بر نقش فداکاری در روابط رمانتیک در غرب تأکید می‌کند نیاز است که تحقیقات آینده بر نقش فداکاری در فرهنگ‌های جمعی تأکید کنند (امپت وگوردون، 2008). مطالعات در مورد فداکاری در کشور چین به اهمیت رفتارهای فداکاری همسران در زمان استرس‌های خانوادگی (چن ولی 2007) و اهمیت فداکاری در احساس خوشبختی (لی و زانگ، 2015) پرداخته‌اند، اما پژوهش در فرهنگ‌های غربی بیشتر نقش ادراک فداکاری و انگیزه‌های فداکاری را مهم دانسته‌اند. برای در نظر گرفتن این ملاحظات فرهنگی پژوهش کیفی مناسب‌تر است چراکه تحقیق کیفی بافت‌نگر⁷ است و بافت‌نگری تحقیق کیفی به این معنا است که پدیده را در بافتی که اتفاق می‌افتد مورد بررسی قرار می‌دهد (کرسل، 2007). با توجه به اهمیت فداکاری در کیفیت روابط زناشویی پژوهش حاضر در بافت زندگی زناشویی، فداکاری را

1 collectivist
2 individualistic
3 Briley
4 Wyer
5 Markus
6 Kitayama
1 Contextual

مورد بررسی قرار می‌دهد و این روابط زناشویی در بافت فرهنگی و با مشارکت‌کنندگان ایرانی مورد مطالعه انجام می‌گیرد. امپت و گوردون (2008) ذکر می‌کنند که تحقیقات آینده باید معطوف به فرهنگ‌های جمع‌گرا باشد. در جامعه ما با داشتن فرهنگی جمع‌گرا و اهمیت خانواده و ازدواج در بافت سنتی و مذهبی آن، بررسی تجربه فداکاری نیاز به بررسی بیشتر دارد. مطالعات محدودی که در داخل کشور در مورد فداکاری صورت گرفته است با روش‌شناسی کمی بوده است (خجسته مهر و دیگران، 1393، سلطان‌زاده 1391، کاوند، 1390) در حالی که یک مطالعه کیفی این تفاوت‌ها را به دلیل بافت نگری بهتر نشان می‌دهد.

بنابراین با توجه به خلأ تحقیقات گذشته در بررسی تجربه زیسته فداکاری و فهم معنای فداکاری از دیدگاهی کیفی و با توجه به ملاحظات فرهنگی در مورد پدیده فداکاری در بافت نمونه‌های ایرانی، پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤال است که تجربه افراد متأهل از فداکاری در بافت زندگی زناشویی چیست و افراد متأهل چگونه فداکاری را در ازدواج بادوام خود توصیف می‌کنند؟

ضرورت پژوهش

شناخت عمیق‌تر تجربه پدیده فداکاری ضرورت نظری این پژوهش است. کرسول (2007) یکی از اهداف اصلی تحقیقات کیفی را شناخت عمیق پدیده‌ها می‌داند. مرور پژوهش‌های کمی گذشته در مورد فداکاری نشان می‌دهد: اولاً ادراک فرد در رفتار و میل فداکاری مهم است (وایتون و دیگران، 2007، امپت و دیگران، 2005، امپت و دیگران، 2013، خجسته مهر و دیگران، 1393 و کاوند، 1390). دوماً "ملاحظات فرهنگی می‌تواند عامل مهمی در

مورد فداکاری در روابط باشد (چن ولی 2007، لی و زانگ، 2015، امپت و دیگران، 2005). تحقیقات گذشته به شکل کمی گستره ادراک فداکاری را در روابط بررسی کرده‌اند اما به بررسی تجربه زیسته و عمیق فداکاری در بافت زندگی زناشویی نپرداخته‌اند، از سویی دیگر مطالعات گذشته بیشتر در مورد فرهنگ‌های غربی بوده است و پژوهش‌های داخلی هم در مورد فداکاری به شکل کمی صورت گرفته است. پژوهش کیفی حاضر می‌تواند این خلأ دانش و فهم عمیق پدیده فداکاری را در بافت فرهنگی و زناشویی جبران کند. پژوهش حاضر با رویکرد پدیدارشناسی به تجربه ناب مشارکت‌کنندگان از فداکاری بازمی‌گردد و درصدد است ذات این پدیده را در تجربه مشارکت‌کنندگان در بافت فرهنگی بشناسد؛ بنابراین پژوهش پدیدارشناسی حاضر شناخت عمیق ما از پدیده فداکاری را به صورت نظری توسعه می‌دهد.

کاربرد رویکرد پدیدارشناسی برای زوج درمانگران و خانواده درمانگران می‌تواند این باشد که این رویکرد می‌تواند ابزاری یاری‌دهنده به آن‌ها در شناخت عمیق‌تر و کمک بیشتر به مراجعین باشد. در پدیدارشناسی عقیده بر این است که افراد معنایی متفاوت برای پدیده‌ها قائل هستند و آنچه مهم است معنایی است که فرد برای پدیده‌ها قائل است (موستاکاس، 1994) بنابراین رویکرد پدیدارشناسی به سازه‌های ذهنی افراد از پدیده‌ها بازمی‌گردد و معنای تجربه را از دیدگاه خود فرد بررسی می‌کنند (گیورگی، 2003) و ابزار محققان پدیدارشناسی برای بررسی این معانی چندان استفاده از مصاحبه‌های عمیق و پرسش‌های باز است (گیورگی، 1979؛ پولکینگ

ورن¹؛ 1986 وان مانن، 1990). فرایند روش پدیدارشناس بسیار مشابه با فرایند خانواده‌درمانی و زوج‌درمانی است چراکه معانی هرکدام از زوجین و اعضای خانواده از موضوع تحت بررسی دارای اهمیت زیاد است و ابزار خانواده و زوج درمانگران نیز استفاده از سؤالات باز و مصاحبه برای بررسی تفاوت دیدگاه اعضای خانواده و تجربه آن‌ها از موضوع است. در این زمینه اسپرینکل و پیرسی² (2005) می‌گویند:

«بسیار مهم است خانواده درمانگران به‌عنوان پژوهشگران خانواده رویکرد پدیدارشناسی را برای گوش دادن و مشاهده کلیت به کار ببرند چراکه پدیدارشناس‌ها اعتقاد دارند که پدیده موردنظر، صرفنظر از اینکه چه پدیده‌ای است، باید درجایی که به‌طور طبیعی وجود دارد و از نقطه‌نظر خود انجام دهنده آن موردبررسی قرار بگیرد. پژوهش خانواده پدیدارشناسی دارای دیدگاه‌های چندگانه هست، به این معنا که باید دیدگاه‌های مختلف را توصیف کرده و در نظر گرفت و خود را محدود به دیدگاه یک شخص در مورد اینکه چطور یک خانواده یا زوج عمل می‌کنند محدود نکرد».

بعلاوه خانواده درمانگران و زوج درمانگران می‌توانند با کاربرد پدیدارشناسی توصیفی در زمینه تقلیل کردن پیش‌فرض‌های خود در مورد خانواده و زوج‌ها به درک عمیق‌تر و تجربه ناب آن‌ها بازگردند. پژوهش حاضر می‌تواند برای پژوهشگران حوزه خانواده‌درمانی و زوج‌درمانی به‌عنوان آغازی در بررسی کیفی فداکاری در ازدواج کاربرد داشته باشد و در بکار بردن رویکرد روان‌شناختی پدیدارشناسی توصیفی گیورگی (تحقیق پدیدارشناسی با این روش در داخل کشور صورت نگرفته

1 Polkinghorne

2 SPRENKLE & PIERCY

است و بیشترین کاربرد روش پدیدارشناسی توصیفی با گام‌های کولایزی بوده است) در بررسی پدیده‌های زناشویی و خانوادگی دیگر بکار آید.

ازهم‌پاشیده شدن ازدواج ارتباط قوی با افزایش مشکلات سلامت روانی و کاهش سلامت فیزیکی و افت وضعیت اجتماعی و اقتصادی برای همه افراد درگیر در ازدواج (همسر، شوهر و کودکان) دارد (گاتمن، 1993). این‌که بفهمیم چگونه یک رابطه یا ازدواج می‌تواند پایدار بماند به روان‌شناسان، درمانگران و دیگر متخصصان که با زوجین کار می‌کنند و خود زوجین در غنی‌سازی و ارتقای روابط زناشویی کمک می‌کند. کشف تجربه فداکاری در افراد و روابط زناشویی، ابزار و منابع بیشتری را جهت کمک به روان‌شناسان و دیگر متخصصان فراهم می‌کند که به افرادی که روابط مشکل‌زا دارند کمک کنند.

ازلحاظ روش‌شناسی نیز پژوهش اخیر دارای ضرورت و اهمیت است. تاکنون تحقیقات کیفی کمتر در بررسی‌های روان‌شناختی در جامعه علمی ما بکار رفته است و بیشتر مطالعات به شکل کمی با رویکرد اثبات‌گرایانه بوده است (لطف‌آبادی، نوروزی و حسینی، 1385؛ کلانتری، روشن‌فکر و جواهری، 1390). در مورد فداکاری نیز مرور ادبیات پژوهش با کلیدواژه‌های جستجوی محقق نشان داد که تاکنون نه‌تنها در تحقیقات داخلی بلکه تحقیقات خارجی نیز تاکنون مطالعه کیفی به‌صورت مستقل در مورد تجربه فداکاری در زندگی زناشویی انجام‌نشده است، بنابراین نه‌تنها انجام تحقیقات کیفی ازلحاظ روش‌شناختی در جامعه علمی ما ضرورت به‌حساب می‌آید بلکه بررسی کیفی تجربه فداکاری با توجه به نبود مطالعه‌ای کیفی در این زمینه با استراتژی جستجوی محقق در تحقیقات خارجی نیز ضرورت مهم‌تری به‌حساب می‌آید. تحقیق حاضر

با بکار بردن رویکرد گیورگی در پدیدارشناسی توصیفی نیز درصدد است تا پژوهشگران داخلی را نیز با این نوع روش‌شناسی و کاربرد آن در حوزه خانواده و ازدواج آشنا سازد و زمینه لازم را برای تحقیقات بیشتر در مورد پدیده فداکاری فراهم کند.

هدف پژوهش

- 1- تبیین ساختار پدیده فداکاری در ازدواج‌های بلندمدت در بافت روابط زناشویی
- 2 - فهم تجربه زیسته افراد متأهل در ازدواج‌های بلندمدت از پدیده فداکاری در بافت روابط زناشویی
- 3- توصیف تجربه زنان و مردان متأهل از فداکاری برای همسر در روابط زناشویی

تعریف اصطلاحات پژوهش

1- فداکاری

فداکاری یعنی صرف‌نظر کردن شخص از رفتارهایی که ممکن است از جهاتی برای وی مطلوب باشد (فداکاری منفعلانه) و ایفای رفتارهایی که ممکن است برای وی نامطلوب باشد (فداکاری فعالانه) و یا هر دو و به معنای ادراک تعداد دفعات واگذاری و رها کردن یک منفعت به خاطر شریک زندگی هست (ون لانگ و دیگران، 1997).

2- روش پدیدارشناسی

به طور خلاصه پدیدارشناسی مطالعه تجربه زیسته است (کرسل، 2007؛ پاتون، 2002؛ کروتی، 1998 و موستاکاس، 1994) تحقیق پدیدارشناسی پاسخ این سؤال را جستجو می‌کند: «ساختار و ماهیت تجربه یک پدیده توسط مردم چیست؟ (سوانسون¹، 2004)».

1 Swanson

3- پدیدارشناسی توصیفی

پدیدارشناسی توصیفی¹ در روان شناسی توسط روان‌شناس آمریکایی گیورگی در اوایل دهه 1970 توسعه پیدا کرد؛ روش گیورگی بر پایه اصول فلسفه پدیدارشناسی هوسرل² بنا نهاده شده است گیورگی یکی از پیشگامان استفاده از پدیدارشناسی و روش تحقیق کیفی در روان‌شناسی بوده است و طبق پدیدارشناسی توصیفی گیورگی محقق با «در پرانتزگذاری³» پیش‌فرض‌هایش در مورد پدیده شروع می‌کند به این معنا که پژوهشگر پیش‌فرض‌های خود در مورد پدیده و مشارکت‌کنندگان را در پرانتز می‌گذارد و تلاش می‌کند تا این پیش‌فرض‌ها در مطالعه پدیده دخالت نکنند، در این روش محقق به توصیف مشارکت‌کنندگان بدون مجبور بودن به معنا کردن واحدهای معنایی در دسته‌بندی‌های از پیش تعریف‌شده گرایش دارد (گیورگی، 2008). در این روش محقق توصیفات ارائه‌شده توسط شرکت‌کنندگان را تحلیل می‌کند و آن‌ها را در اظهارات معنادار تقسیم می‌کند. این معانی برای ساختار پدیده مورد مطالعه ضروری هستند که به محقق اجازه می‌دهد که ساختار پدیده موردعلاقه را توصیف کند (گیورگی، 1977).

الزامات پدیدارشناسی توصیفی

1- تجربه زیسته⁴

تجربه زیسته به ادراک انسان از پدیده‌های خاص و آنچه در زندگی فرد واقعیت یا حقیقت دار معنا می‌بخشد. هدف تحلیل پدیدارشناسانه توصیف یا کشف علل نیست به‌جای آن هدف

1. Psychological Descriptive phenomenology

2 Husserl. E

3 Braketing

4 Lived experince

شفاف کردن معنای پدیده‌ها از طریق تجربه زیسته است (گیورگی، 2005).

2-تقلیل پدیدارشناسی¹

ایده اصلی پدیدارشناسی توصیفی تقلیل پدیدارشناسی است. تقلیل پدیدارشناسی مستلزم خودآگاهی به پیشفرضها و موانعی است که از توصیف ناب داده‌ها جلوگیری می‌کند، به طوری که بتوان آن‌ها را کنار گذاشت تا خود شیء در بداهت اولیه اش، آشکار شود (گیورگی، 2008). برای رسیدن به خود پدیده آن‌طور که در جهان زیست می‌شود و در زندگی روزمره تجربه می‌شود، نیاز است تا از مسائلی که به طور انتزاع یافته ما را از مواجهه مستقیم با خود شیء دور می‌کنند، اجتناب کنیم (رشیدیان، 1384).

3-تعلیق (اپوخه)

فرایند تقلیل پدیدارشناسی از طریق اپوخه² صورت می‌گیرد. موستاکاس (1994) اپوخه را به عنوان گامی در تحقیق در نظر می‌گیرد که در مصاحبه‌ها انجام می‌شود، در این تعلیق محقق تا جایی که امکان دارد تجارب پیشین خود را کنار می‌نهد تا فضایی تازه در مورد پدیده تحت بررسی ایجاد شود.

4-تغییر تخیلی³

فن اصلی در پدیدارشناسی توصیفی گیورگی برای تحلیل داده‌ها تغییر تخیلی است. برای هوسرل، دستیابی به ذات

1 Phenomenological reduction

2 Epoche

3 Variative Imagination

پدیده توسط فن موسوم به تغییر تخیلی انجام می‌شود؛ «یعنی تبدیل اعیان به پدیده‌های محض یا ایدوس¹، با روشی انجام می‌گیرد که هوسرل آن را «تغییر خیالی» یا «تغییر آزادانه» می‌نامد» (رشیدیان 1384). در این فن با تغییر دادن ویژگی‌های پدیده در تخیل، سعی می‌شود به ذات آن پدیده دست‌یافته شود.

3-5-ذات²

5-ذات³

در نهایت هدف پدیدارشناسی توصیفی، توصیف ذات یک پدیده است. گیورگی (2003) ذات به آن قسمت‌هایی از پدیده گفته می‌شوند که بدون وجود آن‌ها پدیده نیز نمی‌تواند حضور داشته باشد.

سؤال تحقیق:

تجربه افراد متأهل از فداکاری در زندگی زناشویی چیست و افراد متأهل چگونه فداکاری را در ازدواج بلندمدت خود توصیف می‌کنند و در نهایت ساختار پدیده فداکاری در تجربه مشارکت‌کنندگان پژوهش چیست؟

پیش‌فرض‌های⁴ پژوهش

در پژوهش کیفی به‌طور عام و در پدیدارشناسی به‌صورت خاص ضروری است محقق از پیش‌فرض‌هایی که وارد تحقیق می‌کند آگاهی پیدا کند. علاوه بر این در پدیدارشناسی توصیفی تقلیل پدیدارشناسی گامی اصلی در پژوهش است که محقق بتواند تأثیر پیش‌فرض‌های خود را در جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها کنترل کند.

4 Eidos
5 Essence
1 Essence
2 Assumption

در این پژوهش سه پیش‌فرض اصلی برای محقق وجود دارد و محقق تلاش دارد تا تمام دانش قبلی خود را به‌جز این سه پیش‌فرض در پرانتز بگذارد و از تأثیر آن‌ها بر فرایند پژوهش جلوگیری کند که عبارت‌اند از:

1- پیش‌فرض اولیه این پژوهش عبارت است از این که تحقیق پدیدارشناسی در مورد تجربه فداکاری در بافت زندگی زناشویی در مورد چگونگی و معنای این پدیده بینش‌های عمیق فراهم می‌آورد.

2- دومین پیش‌فرض پژوهش این است که فداکاری مؤلفه‌ای مهم در کیفیت روابط زناشویی و پایداری ازدواج است.

3- سومین پیش‌فرض پژوهش این است که مشارکت‌کنندگان پژوهش در زندگی زناشویی خود تجربه فداکاری دارند و تجربه خود را در مورد فداکاری در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهند.

پیشینه پژوهش

به‌منظور بررسی و مرور ادبیات پژوهش با کلیدواژه‌های فارسی و انگلیسی زیر در این پایگاه‌ها به جستجو پرداخته شد:

جستجو در پایگاه‌های خارجی		جستجو در پایگاه‌های داخلی	
پایگاه‌ها	کلیدواژه‌های انگلیسی	پایگاه‌ها	کلیدواژه‌ها
1-google scholar	1-sacrifice	1-ایران داک	1- فداکاری
2-pupmed	2-sacrifice in marriage,	2-سید	2- فداکاری در ازدواج
3-psycho info	3- sacrifice in marital relationship	3-ما	3- فداکاری در زندگی زناشویی
4-	4-experince sacrifice in marital relationship or in intimacy	4-گیران	4- فداکاری در

sciencedirect	relationship	نورمگز	روابط
5-scopus	5-sacrifice in marital relationship or in intimacy relationship		5-تجربه فداکاری در روابط زناشویی
	6- sacrifice in marital relationship or in intimacy relationship+ qualitative study or phenomenological study or grounded theory or content analisis		6-مطالعه کیفی فداکاری
	7-sacrifice in longterm marriage		7-تجربه فداکاری در ازدواج: مطالعه پدیدارشناسی

مرور ادبیات پژوهش با کلیدواژه‌های بالا نشان داد که تاکنون در تحقیقات داخلی و خارجی هیچ مطالعه کیفی به صورت مستقل در مورد تجربه فداکاری در زندگی زناشویی انجام نشده است. مطالعاتی که تاکنون در مورد فداکاری انجام شده است به صورت مطالعه کمی به شکل مقطعی و آزمایشی (امپت، گر و دیگران، 2013؛ لی و امپت، 2013؛ راپل و کوران، 2012؛ امپت، گوگان و همکاران، 2012؛ امپت، جاوام و همکاران، 2012؛ امپت و گوردون، 2010؛ امپت، کوگان، اویس و دیگران، 2010؛ ایمپت، گیبیل و پیلو، 2005)، یا نقش فداکاری به عنوان متغیر واسطه‌گر در روابط زناشویی (وایسل کوئیست و دیگران، 1999، وان لانگ و دیگران، 1997، استانلی و دیگران، 2006، زانگ ولی، 2015، خجسته مهر و دیگران، 1993) بوده است؛ بنابراین در این بخش به مرور ادبیات کمی تحقیق در مورد فداکاری پرداخته می‌شود.

علاوه بر اینکه در تحقیقات داخلی مطالعه ای کیفی در مورد فداکاری در ازدواج توسط جستجوی پژوهشگر یافت نشد،

جستجوی محقق نشان داد این متغیر در مشاوره و روانشناسی ازدواج و خانواده در داخل کشور بسیار کمتر مورد پژوهش (چهار مطالعه انجام شده خجسته مهر، نو کاریزی نیا و شیر الی نیا، 1393، خجسته مهر و دیگران، 1993، کاوند، 1390، سلطانزاده، 1391) قرار گرفته است و این مطالعات نیز به شکل مطالعات کمی صورت گرفته است که نتایج آن‌ها به شرح ذیل است:

در پژوهش خجسته مهر و دیگران (1393) با عنوان نقش واسطه‌ای ادراک رفتارهای فداکارانه همسر در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و کیفیت زناشویی نتایج مدل معادلات ساختاری نشان داد که دلبستگی اضطرابی از طریق رفتارهای فداکارانه همسر اثر مستقیم و غیرمستقیم بر کیفیت زناشویی دارد، اما دلبستگی اجتنابی به صورت مستقیم بر کیفیت زناشویی تأثیر ندارد و تأثیر آن از طریق ادراک رفتارهای فداکارانه است. یافته‌های این پژوهش نشان داد رابطه بین سبک‌های دلبستگی و کیفیت زناشویی یک رابطه خطی ساده نیست بلکه ادراک رفتارهای فداکارانه همسر در این میان نقش واسطه‌ای دارد. در پژوهشی دیگر خجسته مهر و همکاران (1393) نشان دادند که دیدگاه فهمی، رفتارهای فداکارانه شوهران با ادراک انصاف زنان همبستگی مثبت و معنادار و برابر نگرش شوهران با ادراک انصاف زنان همبستگی منفی معنادار دارند. همچنین نتیجه تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که متغیرهای پیش‌بین دیدگاه فهمی، برابر نگرش و رفتارهای فداکارانه شوهران ۲۶ درصد واریانس متغیر ادراک انصاف زنان را پیش‌بینی می‌کند. پژوهش سلطانزاده (1391) با عنوان بررسی یک مدل پیشنهادی برای پیشایندها و پیامدهای فداکاری در ازدواج در والدین دانش‌آموزان مدارس دخترانه^۱ مقطع راهنمایی شهر اهواز نشان داد که انگیزه‌های

استقبالی فداکاری مردان و زنان بر کیفیت زناشویی آنان اثر مثبت مستقیم دارد همچنین انگیزه اجتنابی فداکاری مردان و زنان بر کیفیت زناشویی آنان اثر منفی مستقیم دارد و رفتارهای فداکارانه مردان و زنان بر کیفیت زناشویی آنان اثر مثبت مستقیم دارد. نتایج پژوهش کاوند (1390) با عنوان بررسی رابطه رفتارهای فداکارانه، انگیزه‌های فداکاری و ادراک انصاف با صمیمیت زناشویی در والدین دانش‌آموزان مدارس ابتدایی شهر بروجرد نشان داد که هم در مردان و هم در زنان بین رفتارهای فداکارانه، انگیزه استقبالی فداکاری و ادراک انصاف با صمیمیت زناشویی رابطه مثبت وجود دارد. بررسی نتایج رگرسیون تعدیل گر نشان داد که مطابق انتظار، ادراک انصاف در زنان رابطه بین رفتارهای فداکارانه و صمیمیت زناشویی را تعدیل می‌کند؛ اما برخلاف انتظار، این یافته در مردان مشاهده نشد.

نتایج پژوهش زانگ و لی (2015) با عنوان نقش میل به فداکاری در رابطه میان درآمد زنان چینی شهری و کیفیت زناشویی به‌وسیله تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که زنان با درآمد بالا خوشبختی زناشویی پایین و ثبات زناشویی بالا را در مقایسه با زنان با درآمد پایین و متوسط نشان می‌دهند و آن‌هایی که میل به فداکاری دارند به‌صورت مثبت با خوشبختی زناشویی و به‌صورت منفی با عدم ثبات زناشویی ارتباط دارند، همچنین میل به فداکاری می‌تواند تعدیل‌کننده اثرات منفی درآمد زنان بر روی خوشبختی زناشویی و همچنین اثر مثبت عدم ثبات زناشویی باشد، به‌ویژه زمانی که همسران درآمد بیشتری از شوهرانشان دارند درنهایت یافته‌های آن‌ها اثر مثبت میل به فداکاری بر روی خوشبختی و ثبات زناشویی زنان شهری چینی را نشان داد.

بریان¹ (2012) اظهار می‌کند که فداکاری در طول تاریخ در میان جنگها و داستان‌ها و شخصیت‌های تاریخی مورد بررسی قرار گرفته است و کمتر در روابط زناشویی و ازدواج مورد بررسی قرار گرفته است، او در پژوهش خود در زمینه همسران افراد نظامی بیان می‌کند که فرهنگ آمریکایی به صورت کلی تلاش کرده است تا از فداکاری کارکنان نظامی خود تقدیر کند اما فداکاری همسران افراد نظامی به صورت گسترده کم اهمیت پنداشته شده است.

بعضی دیگر از پژوهش‌های خارجی به نقش فداکاری در روابط صمیمانه پرداخته‌اند: نتایج مطالعه مقطعی وایتون، استانلی و مارکمن (2007) باهدف بررسی ادراک فرد از فداکاری در روابط نزدیک با 145 زوج، داده‌های معتبر و روایی برای اندازه‌گیری این‌که تا چه حد روابط فداکارانه برای فرد به‌عنوان آسیب به خود ادراک می‌شود، به دست آورد. ادراک بیشتر فداکاری به‌عنوان آسیب به خود با تعهد پایین در رابطه، عملکرد زوجی فقیر و نشانگان افسردگی بالا در رابطه است، گرچه تعهد یک پیش‌بینی کننده قدرتمند در ادراک فداکاری آسیب‌زا در مردان به نسبت زنان است؛ در زنان این رابطه ضعیفتر است و می‌تواند به‌وسیله تعهد شریکش و خشنودی رابطه تعدیل شود. در نهایت پژوهش آن‌ها نشان داد که ادراک روابط فداکارانه آسیب‌زا واسطه‌ای در رابطه میان تعهد و عملکرد رابطه در مردان است.

استانلی و دیگران (2006) در پژوهشی به تبیین فداکاری به‌عنوان پیش‌بین پیامدهای زناشویی پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که نگرش در مورد فداکاری بین زوجین آشفته و پایدار تمیز می‌دهد و نگرش‌های فداکاری رابطه

1 Bryant

سازگاران را در طولانی مدت پیش‌بینی می‌کنند و در نهایت نگرش‌های فداکاری واسطه‌ای در رابطه میان تعهد و روابط سازگاران برای شوهران است اما برای همسران این‌گونه نیست. بعضی پژوهش‌ها نیز در مورد فداکاری به نقش آن در تعهد زناشویی و رابطه آن با تعهد و اعتماد در رابطه پرداخته‌اند. وان لانگ و دیگران (1997) و وایسل کوئیست و دیگران (1999) یافته‌اند که تعهد بالا پیش‌بینی کننده قوی میل به فداکاری است، افراد با تعهد بالا به صورت عملیاتی میل به انجام فعالیت‌های مهم را به خاطر همسرانشان گزارش کرده‌اند. همچنین لایه‌های تعهد میزان انجام فداکاری را در یک محیط آزمایشگاهی پیش‌بینی می‌کند (وان لانگ و دیگران، 1997). همچنین تحقیقات نشان داده است که نگرش‌های مثبت در مورد فداکاری شامل خشنودی از فداکاری و میل به فداکاری است این ساختار با رضایتمندی بالا در رابطه، عملکرد سالم زوجی و داشتن مفهومی مشترک از عشق در ارتباط است. وان لانگ و دیگران (1997) فرضیه‌سازی کرده‌اند که خشنودی از فداکاری به صورت ویژه واسطه رابطه میان تعهد و کیفیت زناشویی است. وایسل کوئیست و دیگران (1999) با استفاده از تحلیل تعدیل‌گر نشان دادند که میل به فداکاری در افراد اعتماد شریکشان را افزایش می‌دهد که منتهی به تعهد بالا در روابط و میل به فداکاری بیشتر برای شریک می‌شود، بنابراین فداکاری اهمیت رشد مثبت چرخه‌ای فرایند رابطه را نشان می‌دهد. نویر (1996) نشان داد که آن‌هایی که فداکاری را در مراقبت، اعتماد، احترام و وفاداری تعریف می‌کنند فداکاری را به عنوان بخشی از مفهوم عشق معنا می‌بخشند (به نقل از استانلی و همکاران، 2006).

پژوهش‌های دیگر در مورد فداکاری به نقش آن به‌عنوان یک واسطه در روابط زناشویی پرداخته‌اند. خجسته مهر و دیگران (1393) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده‌اند که ادراک رفتارهای فداکارانه میانجی رابطه میان کیفیت زناشویی سبک‌های دلبستگی است. زانگ ولی (2015) نشان داده‌اند که میل به فداکاری میانجی اثرات منفی درآمد نسبی بر روی خوشبختی زناشویی است. استانلی وهم کاران (2006) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده‌اند که نگرش‌های فداکاری میانجی رابطه میان تعهد و روابط سازگارانه است. امپت و دیگران (2013) در تحقیق خود نشان داده‌اند که احساس اصالت میانجی در رابطه و میل به فداکاری است. تحقیقات دیگر فداکاری را میانجی تعهد زناشویی کیفیت زناشویی است (وایسل کوئیست و دیگران، 1999، وان لانگ و دیگران، 1997).

اما حجم زیادی از مطالعات در مورد فداکاری به مطالعه انگیزه‌های استقبالی و اجتنابی فداکاری در روابط پرداخته‌اند. امپت، کوگان و دیگران (2012) در تحقیقی بیان کرده‌اند افرادی که باهدف انگیزه‌های استقبالی فداکاری می‌کنند در روابط خویش بیشتر احساس اصالت می‌کنند عکسانی که باهدف‌های اجتنابی فداکاری می‌کنند در روابط خود کمتر احساس اصالت می‌کنند. علاوه بر این پژوهش‌های (لی و امپت، 2013؛ امپت، جاوام و همکاران، 2012، امپت، کوگان، اویس و دیگران، 2010؛ ایمپت، گیبیل و پپلو، 2005) در بررسی انگیزه‌های فداکاری به این نتیجه رسیده‌اند که انگیزه‌های استقبالی فداکاری باکیفیت زناشویی رابطه مثبت و انگیزه‌های اجتنابی باکیفیت زناشویی رابطه منفی دارند بنابراین پژوهش‌های آن‌ها نشان داده است که خود فداکاری برای رابطه

مضر نیست اما انگیزه‌های فداکاری به کیفیت رابطه آسیب می‌رساند به این صورت که فداکاری کردن با انگیزه‌های اجتنابی رضایتمندی کیفیت رابطه را پایین می‌آورد و پاسخگوی نیاز شریک زندگی نیست اما فداکاری کردن با انگیزه‌های استقبالی رضایتمندی کیفیت رابطه را بالا می‌برد و پاسخگوی نیازهای شریک است. در تحقیقات داخلی نیز نشان داده شده است که انگیزه‌های استقبالی فداکاری اثر مثبت و انگیزه‌های اجتنابی اثر منفی بر کیفیت زناشویی می‌گذارد (سلطان‌زاده، 1391).

بعضی پژوهش‌ها به سرکوبی عواطف در طول روابط فداکارانه پرداخته‌اند. رایجت، بالیت و وایزمن (2015) در پژوهش با عنوان اعتماد و سرکوبی عواطف در طول فداکاری در روابط صمیمی، به بررسی این فرضیه پرداختند که افراد با اعتماد پایین در مقایسه با اعتماد بالا به شریکشان احتمالاً عواطفشان را در طول فداکاری برای شریکشان بیشتر سرکوب می‌کنند. برای آزمایش این فرضیه آن‌ها 130 زوج رمانتیک که به صورت نمونه تجربه‌ای را در این مطالعه بررسی کردند و سرکوبی عواطف آن‌ها به صورت فوری بعد از فداکاری برای شریکشان در زندگی روزمره مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج نشان داد که اعتماد به صورت منفی با سرکوبی عواطف وقتی که فداکاری رخ می‌دهد در ارتباط است. همچنین یافته‌ها نشان داد که سرکوبی عواطف منتهی به رضایتمندی کمتر، در نتیجه پیامدهای فداکاری منتهی به رضایتمندی کمتر در روابط (خلق منفی) می‌شود؛ بنابراین اعتماد در تنظیم عواطف در روابط صمیمی و درگیر شدن در رفتارهایی که از تعارضات جلوگیری می‌کند نقش دارد.

امپت، لی و دیگران (2014) در یک مطالعه چند روشی با 80 زوج به بررسی این موضوع پرداختند که آیا افراد

می‌توانند زمانی که شریکشان به سرکوب عواطف خود می‌پردازند را کشف کنند؟ اگر ادراک فداکاری شریک برای دریافت فداکاری هزینه داشته باشد؟ در زمان‌هایی که این زوجین به اهمیت فداکاری توسط شریکشان در آزمایشگاه گوش داده بودند و زمانی که فکر می‌کردند شریکشان در طول زندگی روزمره فداکاری می‌کند. آن‌هایی که فکر می‌کردند شریکشان کمتر اصیل است بیشتر سرکوبی عواطف شریکشان را ادراک می‌کردند. در این مطالعه ادراک سرکوبی شریک، کیفیت رابطه ضعیفی را برای سه ماه بعد پیش‌بینی می‌کرد.

همچنین پژوهش‌ها نقش ادراک فرد را در میل به فداکاری در روابط را برجسته می‌کنند. وایتون و دیگران (2007) به نقش ادراک آسیب‌زا بودن فداکاری در رابطه پرداخته‌اند. امپت و دیگران (2005) نشان داده‌اند که ادراک انگیزه‌های شریک برای فداکاری در کیفیت رابطه مؤثر است. تحقیقات داخلی نیز به نقش ادراک رفتار فداکارانه در کیفیت زناشویی و ادراک انصاف در رفتار فداکاری پرداخته‌اند (خجسته مهر و دیگران، 1393، کاوند، 1390).

پژوهش‌ها نیز به نقش جنسیت در رفتارهای فداکارانه پرداخته‌اند. وایتون و دیگران (2007) در پژوهشی خود به این نتیجه رسیده‌اند که ادراک فداکاری آسیب‌زا در مردان با تعهد پایین در رابطه و عملکرد پایین رابطه در مردان در ارتباط است اما برای زنان این‌گونه نیست. استانلی و دیگران (2006) نیز نشان دادند نگرش‌های فداکاری میانجی تعهد و روابط سازگارانه در مردان است اما برای زنان این‌گونه نیست. چن ولی (2007) نیز نشان داده‌اند که استرس‌های خانوادگی برای زنان در رفتارهای فداکارانه مهم است اما برای مردان این‌گونه نیست.

مطالعات بر روی روابط زناشویی نیاز به بررسی عواطف زوجین در یک بافت فرهنگی را نشان می‌دهد. وانگ¹ (1999، به نقل از چن ولی 2007) با مطالعه خانواده‌های تایوانی ارزش فداکاری در ازدواج را نشان می‌دهد، وانگ یک مقیاس تعهد خانوادگی را با مصاحبه با 30 خانواده در تایوان را توسعه می‌دهد، او خود فداکاری و از خودگذشتگی را به‌عنوان دو جزء ضروری تعهد خانوادگی تعریف می‌کند. مطالعات خارجی در کشور چین به اهمیت رفتارهای فداکاری همسران در زمان استرس‌های خانوادگی (چن ولی 2007) و اهمیت فداکاری در احساس خوشبختی (لی وزانگ، 2015) پرداخته‌اند.

مشارکت‌کنندگان² پژوهش و فرایند انتخاب آنها

مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر زنان و مردان متأهلی هستند که دارای تجربه فداکاری در ازدواج هستند و دارای تجربه زندگی زناشویی به مدت 10 سال یا بیشتر هستند. محیط پژوهش در مطالعه حاضر شامل مشارکت‌کنندگانی است که محل جغرافیایی زندگی آنها استان خوزستان در طول سال 94-95 هست. برای انتخاب مشارکت‌کنندگان در این مطالعه نمونه‌گیری هدفمند³ بکار می‌رود. استارک و ترینیداد⁴ (2007) اظهار می‌کنند که برای تجلی هستی پدیده در روش پدیدارشناسی، داده‌ها تنها از افرادی که پدیده را تجربه کرده‌اند و کسانی که می‌توانند به تفصیل تجاربشان را گزارش کنند، جمع‌آوری

1 Wang
1 Participant
2 purposive sampling
3 Starks, H. Trinidad, S. B

می‌شود؛ بنابراین بسیار ضروری است که شرکت‌کنندگان در تحقیق از پدیده آگاهی داشته باشند و به فهم ماهیت و معنای آن علاقه‌مند باشند (موستاکاس 1994)؛ بنابراین انتخاب نمونه در تحقیقات پدیدارشناسی با توجه به هدف مطالعه است. در این پژوهش هدف بررسی تجربه فداکاری در زندگی زناشویی است، بنابراین نمونه شامل کسانی است که تجربه فداکاری را دارند و با آن زیسته‌اند و علاقه‌مند به فهم ماهیت این تجربه باشند. برای انتخاب نمونه‌گیری هدفمند در این پژوهش از چند راهبرد نمونه‌گیری یا نمونه‌گیری چندگانه استفاده می‌شود که نمونه‌گیری معیار¹، نمونه‌گیری شدت یا حاد²، نمونه‌گیری متنوع یا ناهمگون³ و محقق به عنوان ابزار پژوهش (کرسول، 2007، موستاکاس، 1994، وان مانن، 1997، محمدپور، 1392) می‌باشد. استفاده از این راهبردهای نمونه‌گیری در پژوهش حاضر برای انتخاب نمونه هدفمند به شرح زیر می‌باشد:

معیارهای انتخاب نمونه‌ها فرصت خوبی برای انتخاب کردن شرکت‌کنندگانی فراهم می‌کند که معیار شمولیت را داشته باشند (استارک و ترینداد، 2007). در پژوهش حاضر معیارهای اصلی برای نمونه‌گیری هدفمند شامل موارد زیر هست:

- مشارکت‌کنندگان تجربه پدیده موردنظر را داشته باشند.
- مشارکت‌کنندگان متمایل به شرکت در پژوهش و در اخبار گذاشتن تجارب خویش باشند.
- مشارکت‌کنندگان دارای سواد شناختی لازم برای در اختیار گذاشتن تجارب خویش باشند.
- مشارکت‌کنندگان متأهل باشند و دارای تجربه زندگی زناشویی 10 سال یا بیشتر باشند.

4 crition Sampling
 5 Intensity sampling
 6 Hetrogenous sampling

در این پژوهش محقق نیز در جستجوی مواردی است که پدیده فداکاری را به صورت حاد و شدت تجربه کرده باشند به این معنا که پژوهشگر در جستجوی مشارکت‌کنندگانی است که در رابطه با همسر خود و در بافت زندگی زناشویی فداکاری کرده‌اند مانند این‌که مشارکت‌کننده‌ای با وجود بیماری جسمی یا روانی همسر با او مانده است و تجربه خود را فداکاری می‌داند یا مشارکت‌کننده‌ای که با وجود سختی‌ها و مشکلات زناشویی مانند مشکلات مالی زیاد و دیگر موارد، به دلیل فداکاری برای همسر در ازدواج پایدار مانده است. بعلاوه پژوهش حاضر نیز با داشتن رویکرد توصیفی در تلاش برای توصیف ذات پدیده فداکاری است، بنابراین برای توصیف بهتر و قابل‌اعتمادتر از نمونه‌ای ناهمگون و متنوع استفاده می‌کند. در پژوهش حاضر از هر دو جنس به‌عنوان مشارکت‌کننده استفاده می‌شود و از مشارکت‌کنندگان با تجارب متنوع از فداکاری در زندگی زناشویی استفاده می‌شود. در نهایت محقق در زیست جهان شغلی پیرامون خویش که شامل مشاوره در محیط مدرسه، تدریس در دانشگاه و مشاوره در مراکز مشاوره است در جستجوی مشارکت‌کنندگانی در این محیط‌ها است که حاد و دارای معیارهای پژوهش هستند و از طریق این مشارکت‌کنندگان به صورت گلوله برفی یا زنجیره‌ای (محمد پور، 1392)¹ در جستجوی مشارکت‌کنندگان بعدی هست. برای مثال در این راهبرد برای انتخاب مشارکت‌کنندگان، محقق از اساتید خود می‌خواهد اگر از مراجعین مراکز مشاوره خود، افرادی متأهلی را می‌شناسند که دارای تجربه فداکاری و معیارهای این پژوهش است به پژوهشگر معرفی بکنند یا اگر در میان مراجعین متأهلی که به‌قصد مشاوره به محل کار پژوهشگر مراجعه می‌کنند کسی پیدا شود که

1 Snowball sampling

دارای تجربه فداکاری باشند از او درخواست می‌شود به‌عنوان مشارکت‌کننده در این پژوهش حضور داشته باشند.

در تحقیق پدیدارشناسی فرض می‌شود که هر شخص به‌تنهایی می‌تواند صدها یا هزاران مفهوم تولید کند. نمونه‌های بزرگ ضرورتاً به تولید مجموعه‌ای غنی از داده‌ها منجر نمی‌شود. تعداد کامل افراد موردنیاز و تعداد مصاحبه‌ها برای هر یک از آنها به مقاصد و اهداف مطالعه وابسته است اگرچه برخی بر این باورند که حجم نمونه برای مطالعات پدیدار شناختی دامنه‌ای از 1 تا 10 نفر را دربرمی‌گیرد (استارک و ترینیداد، 2007). محققان یک نمونه همگون از 5 تا 25 شرکت‌کننده را توصیه می‌کنند (کرسل، 2007). موستاکاس (1994) نیز مطرح کرده است در یک تحقیق پدیدارشناسی تعداد شرکت‌کنندگان یک بحث آماری نیست و یک تعداد از قبل تعیین‌شده برای اندازه نمونه وجود ندارد. بلکه زمانی که توصیفات شرکت‌کنندگان به حد اشباع¹ می‌رسد، تعداد شرکت‌کنندگان نیز کامل می‌شود؛ یعنی زمانی که مطالب جدیدی در مورد پدیده تحت بررسی از یک مصاحبه به مصاحبه بعد پدیدار نشود، در چنین حالتی است که اشباع حاصل می‌شود (ترنر، 1991). در پژوهش حاضر نیز تعداد مشارکت‌کنندگان بر اساس معیار اشباع داده‌ها مشخص می‌شود به این معنا که مصاحبه‌ها تا زمانی که داده‌ها به اشباع برسد ادامه داده می‌شود.

نحوه جمع‌آوری داده‌ها

گیورگی (1997) اظهار می‌کند که برای فرایند جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها از رویکرد روان‌شناختی پدیدارشناسی توصیفی به‌وسیله توصیف‌های سرراست و مصاحبه یا ترکیبی از

هر دو استفاده می‌کند. گیورگی و گیورگی (2003) نیاز به مصاحبه عمیق¹ و سؤالات باز پاسخ² را برای اینکه مشارکت‌کنندگان جزئیاتی بیشتری در مورد تجربه‌شان را بازگو کنند را برجسته می‌کند. در مصاحبه‌های عمیق سؤال‌های استاندارد وجود ندارد و تنها حوزه موضوعی مشخص می‌شود این نوع مصاحبه بیشتر شبیه به یک محاوره است و برای متمرکز کردن تحقیق و کاوش موضوع‌های جدید، حساس و عمیق مناسب است (لاس³ و هم کاران، 2003، به نقل از محمد پور، 1387).

برای جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش نیز از مصاحبه عمیق همراه با سؤالات باز استفاده می‌شود. به این شکل که محقق پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان را ضبط می‌کند و از سؤالات پیگیرانه‌ای برای حفظ تمرکز بر جزئیات پدیده (فداکاری) استفاده می‌کند، مشارکت‌کنندگان به سؤالات باز پاسخ جواب می‌دهند و تشویق می‌شوند تا جزئیات بیشتر در مورد پدیده (فداکاری) بیان کنند. برای ورود به بررسی تجربه فداکاری محقق در شروع یک کلیپ تصویری که فداکاری را در روابط زناشویی نشان می‌دهد نمایش می‌دهد و از مشارکت‌کنندگان می‌پرسد:

1- شما نیز تجربه‌های مشابه داشته‌اید؟ خواهش می‌کنم برای ما در روابط با همسران در زندگی زناشویی خود از این تجارب سخن بگوئید.

2- این تجارب برای شما شبیه به چه چیزی بوده است؟ شما این تجارب را چه نام می‌نهد؟ معنای این تجارب برای شما چیست؟ این دو سؤال تنها برای پژوهشگر ابزاری است تا تمرکز مشارکت‌کنندگان را بر روی موضوع تحقیق (تجربه

1 In-depth
2 Open-ended
3 Laus

فداکاری) حفظ کند تا پاسخ‌های عمیق‌تری بدهند. محقق به پاسخ‌های عمیق و گسترده‌ای که مشارکت‌کنندگان ارائه می‌دهند وابسته است و می‌تواند سؤالات پیگیرانه‌ای را بپرسد که پاسخ‌های عمیق‌تری را استخراج کند و مشارکت‌کنندگان را در تمرکز بر روی پاسخ دادن به موضوع اصلی پژوهش (فداکاری) حفظ کند. مصاحبه‌ها ضبط می‌شوند و بعد از ضبط هر مصاحبه از داده‌های حاصل از مصاحبه، رونوشت برداشته می‌شود و رونوشت برداری نیز توسط محقق انجام می‌گیرد. با رونوشت کردن مصاحبه‌ها نسخه‌های نخستین جهت تحلیل به دست می‌آید. بعد از خواندن مجدد نسخه‌ها و انطباق آن با محتوای ضبط‌شده، به‌منظور چک کردن دقت و صحت محتویات نسخه یک کپی از نسخه مربوطه برای هر شرکت‌کننده فرستاده می‌شود و بعد از آن در صورت وجود هر خطا یا از قلم افتادگی تصحیح می‌شود. زمان و مکان مصاحبه‌ها به‌دلخواه مشارکت‌کنندگان تعیین می‌شود.

یکی از ابزارهای مهم جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها در تحقیقات کیفی محقق به عنوان ابزار پژوهش است (کرسل، 2007؛ پاتون، 2002؛ کوال، 1996؛ موستاکاس، 1994؛ پولکینگ ورن، 1989). در این مطالعه محقق و مشارکت‌کنندگان در طول جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها یک ابزار مهم هستند. نقش محقق هدایت تحقیق به استفاده از رویکرد روان‌شناختی پدیدارشناسی توصیفی، پرسش سؤالات تحقیق و ضبط پاسخ‌هایی مشارکت‌کنندگان است. محقق آشنایی زیادی با انواع روش‌های مصاحبه (ساختاریافته، باز پاسخ و...) و کاربرد آن‌ها در مسائل پژوهشی (سوابق پژوهش کیفی) و موقعیت‌های بالینی (تجارب مشاوره‌ای) برای چندین سال متوالی دارد. محقق برای بیشتر از هفت سال است که به استفاده از مصاحبه عمیق و باز پاسخ به‌عنوان بخشی از وظایف حرفه‌ای (تجربه مراجعین) و بخشی از فعالیت‌های پژوهشی خویش

است. محقق برای آشنایی بیشتر با شیوه مصاحبه کیفی به مطالعه کتاب‌های تحقیق کیفی (کرسل، 2007، موستاکاس، 1994، وان مانن، 1990) پرداخته است و در کارگاه‌های مهارت‌های آنالیز و مهارت‌های مصاحبه تحقیقات کیفی (برگزارشده در اولین کنگره روان‌شناسی خانواده و دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور) شرکت کرده است تا به آشنایی بیشتر با مصاحبه و جمع‌آوری داده‌های کیفی برسد. بر این اساس محقق خود را دارای اعتماد و توانایی در هدایت مصاحبه کیفی و جمع‌آوری داده‌ها می‌داند.

طرح پژوهش

بعضی از سؤالات در پژوهش تنها به وسیله روش کیفی پاسخ داده می‌شوند مانند این‌که تجربه زیسته افراد از یک پدیده چگونه است (پاتون، 2002). . از دیدگاه روش شناسان کیفی (موستاکاس، 1994؛ وان مانن، 1997؛ کروتی، 1998؛ پاتون، 2002؛ کرسل، 2007) عصاره پدیدارشناسی مطالعه تجربه زیسته افراد از پدیده‌ها است و پدیدارشناسی تجربه افراد را در بافت زندگی روزمره آن‌ها مطالعه می‌کند. پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤال است که تجربه زیسته افراد متأهل از پدیده فداکاری در ازدواج چگونه است؟ برای رسیدن به پاسخی برای این پرسش، پژوهشگر روش پدیدارشناسی را برگزیده است. چراکه روش‌های کمی نمی‌تواند به همه سؤالات پژوهش‌ها پاسخ دهد، از میان روش‌های کیفی برای بررسی عمیق تجربه زیسته فداکاری مناسب‌ترین روش تحقیق پدیدارشناسی است.

سبک‌های پدیدارشناسی برای بررسی تجربه زیسته متنوع است. هر یک از روش‌شناسان پدیدارشناسی (پولکینگ ورن 1989؛ موستاکاس، 1994؛ گیورگی 1997؛ وان مانن 1997) سبک

پدیدارشناسی خاصی را برای مطالعه تجربه پدیده‌ها مطرح کرده‌اند. از میان این سبک‌ها برای مطالعه پدیدارشناسی تجربه فداکاری از رویکرد روان‌شناختی پدیدارشناسی توصیفی (گیورگی، 1997، گیورگی و گیورگی، 2003) در این مطالعه استفاده می‌شود. گیورگی (1997) بر اساس آرای پدیدارشناسی هوسرل، در روان‌شناسی پدیدارشناسی توصیفی را مطرح کرد و آن را به‌عنوان نظامی روش‌شناسانه برای بررسی پدیده‌های روان‌شناختی مطرح کرد که برای آن رویه‌ها و مراحل تحلیل (گیورگی، 2008) مشخصی تعیین کرد که برای بررسی تجربه فداکاری در این پژوهش از این رویه‌ها و مراحل استفاده می‌شود که عبارت‌اند از: رونوشت برداشتن¹ دقیق از مصاحبه‌ها، خواندن و دوباره خواندن مصاحبه‌ها برای به دست آوردن معنایی از کل، مشخص کردن واحدهای معنایی² با نگرش پدیدارشناسی³، انتقال معانی از زبان طبیعی⁴ مشارکت‌کنندگان به زبان روان‌شناختی⁵ محقق با فن تغییر تخیلی و در مرحله آخر ترکیب کردن واحدهای معنایی در یک کلیت (گیورگی، 2008) که نشان‌دهنده ساختار تجربه مشارکت‌کنندگان از پدیده فداکاری است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

گام‌های پدیدارشناسی به‌عنوان روش جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها در نظر گرفته می‌شود و بالطبع نسبت به موضوع تحت پژوهش خود انعطاف‌پذیر است. اغلب روش‌شناسان پدیدارشناس (وان مانن، گیورگی، موستاکاس و دیگران) متفق‌القول‌اند که نمی‌توان گام‌های یکپارچه‌ای برای روش پدیدارشناسی ارائه

¹ Transcripts

² Meaning units

³ Phenomenological attitude

⁴ Naïve language

⁵ Psychological language

داد، لذا با توجه به حوزه کار و علاقه آن‌ها، برخی از گام‌های پیشنهادی، کم‌وبیش متفاوت است و به تعداد پدیدارشناسان سبک پدیدارشناسی وجود دارد. از میان این روش‌ها از شیوه پدیدارشناسی توصیفی گیورگی در این پژوهش استفاده می‌شود. گیورگی و گیورگی (2003) برای تحلیل داده‌ها بعد از رونوشت کردن داده‌ها به‌دقت چندین گام را پیشنهاد می‌کند:

گام اول: خواندن و دوباره خواندن داده‌ها برای به دست آوردن معنای کل

برای به دست آورد فهمی از داده‌های به‌دست‌آمده از هریک از مشارکت‌کنندگان، محقق هرکدام از مصاحبه‌های رونوشت شده را در تمامیت آن بارها می‌خواند. در بعضی از موارد (به‌ویژه رونوشت‌های طولانی) محقق باید تمام رونوشت‌ها را برای چندین بار بخواند تا معنایی از کل آن را به دست آورد. در طول خواندن داده‌ها محقق در فرایندی درگیر می‌شود که هوسرل آن را در پرانتزگذاری تعریف می‌کند. این فرایند تعلیق کردن دانش قبلی محقق از مفهوم موردتحقیق است. محقق تلاش می‌کند هر رونوشت را بدون سوگیری نظری یا دانش خود از مفهوم بخواند.

گام دوم: مشخص کردن واحدهای معنایی

برای به دست آوردن معنایی از کل، نویسنده هرکدام از رونوشت‌ها را برای دومین بار می‌خواند آن‌ها را به معنایی انتقال می‌دهد. گیورگی و گیورگی این فرایند را توصیف واحدهای معنایی و آن را با گذاشتن یک فلاش (/) درجایی از متن که محقق انتقال اتفاق افتاده را احساس می‌کند، مشخص می‌کند. هر مصاحبه رونوشت شده طولانی به‌صورت مؤثری در یک واحد یگانه بررسی می‌شود. درنتیجه رونوشت‌ها به واحدهای

معنایی شکسته می‌شوند و به محقق اجازه می‌دهد که تأثیر بیشتری بر روی داده‌ها بگذارد. واحدهای معنایی بزرگ در یک ایده استوار می‌شود که اطلاعات مفیدی را فراهم می‌آورد و واحدهای معنایی کوچک در یک شیوه معنادار توسط محقق مدیریت می‌شود. در این مرحله دوباره محقق تمام دانش قبلی خود را کنار می‌گذارد و وارد نگرش پدیدارشناسی می‌شود، محقق این نگرش در تمام مراحل تحقیق حفظ می‌کند. گیورگی و گیورگی (2003) می‌گویند:

محقق با رفت‌وبرگشت در خواندن رونوشت‌ها از طریق تقلیل پدیدارشناسی و با یک نگرش روان‌شناختی، از پدیده موردتحقیق فهمی عمیق کسب می‌کند؛ بنابراین در هرزمانی تجربه محقق یک انتقال معنا را در خواندن متون مشخص کرد، این تجربه یک لحظه خاص شناخته می‌شود،

گام سوم: تبدیل کردن واحدهای معنایی از زبان طبیعی به زبان روان‌شناختی

بعد از این که واحدهای معنایی مشخص شدند محقق با یک ذهن روان‌شناختی و استفاده کردن از فرایند تغییر تخیلی، زبان طبیعی مشارکت‌کنندگان را به بیان روان‌شناختی محقق انتقال می‌دهد. معنای تلویحی هر واحد معنایی به‌وضوح توسط محقق پرداخته می‌شود که به‌عنوان کاربرد محقق از تغییر تخیلی برای مشخص کردن عناصر ذاتی پدیده تحت بررسی شناخته می‌شود. اجزای غیرضروری که به‌وسیله مشارکت‌کنندگان بیان شده است حذف و نتایج ضروری نگه‌داشته می‌شود که به محقق اجازه می‌دهد که جنبه‌های ضروری پدیده که برای وجود کل ضروری است را حفظ کند. نتایج به‌دست‌آمده در این مرحله یک سری عبارات معناداری است که دارای بیان روان‌شناختی هستند.

گام چهارم: مشخص کردن ساختار

در مرحله نهایی محقق ذهن روان‌شناختی خود را حفظ و با استفاده از فرایند تغییر تخیلی، واحدهای معنایی را که برای حضور پدیده ضروری هستند را در یک کلیت ترکیب می‌کند.

در این پژوهش محقق تلاش می‌کند تا مطابق با گام‌های پدیدارشناسی توصیفی گیورگی، داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه با مشارکت‌کنندگان در مورد تجربه فداکاری را تحلیل کند. برای این هدف محقق بعد از ضبط مصاحبه‌ها داده‌ها را به‌دقت رونوشت برداری می‌کند. بعد از رونوشت کردن هر مصاحبه توسط پژوهشگر، رونوشت آن مصاحبه بارها خوانده می‌شود تا معنایی از کل مصاحبه به دست بیاید در این مرحله محقق سعی می‌کند تا از تأثیر گذاشتن پیش‌فرض‌هایش بر توصیفات مشارکت‌کنندگان جلوگیری کند و دائماً از فرایند در پرانتزگذاری استفاده کند. خواندن مصاحبه‌ها به محقق نیز کمک می‌کند تا لحظه اشباع داده‌ها را تشخیص دهد که بعد از چند مصاحبه داده‌های به‌دست‌آمده دیگر تکراری هستند و دیگر اطلاعات جدیدی به دست نمی‌آید. بعد از این مرحله محقق واحدهای معنایی هر مصاحبه را در مورد فداکاری جدا می‌کند و با گذاشتن علامت فلش در کنار آن‌ها، واحدهای معنایی را برای هر مشارکت‌کننده مشخص می‌کند در این مرحله محقق دارای نگرش پدیدارشناسی توصیفی است و سعی می‌کند از تأثیر گذاشتن پیش‌فرض‌های خودآگاه شود و بیشتر به زبان طبیعی مشارکت‌کنندگان در مورد فداکاری وفادار بماند. در مرحله بعدی محقق با استفاده از فن تغییر تخیلی سعی می‌کند واحدهای معنایی را در مورد فداکاری از زبان طبیعی مشارکت‌کنندگان به زبان روان‌شناختی پژوهشگر انتقال دهد و واحدهای معنایی را باهم ترکیب کند و آن‌ها را در قالب عبارات معنادار تجربه فداکارانه افراد متأهل بیان

کند. در مرحله نهایی محقق سعی دارد تا عبارات معنادار به دست آمده را در مورد فداکاری در یک ساختار ترکیب کند و آن‌ها را به عنوان ذات پدیده فداکاری در بافت زندگی زناشویی بیان کند.

قابلیت اعتماد¹ داده‌ها

اکثر روش‌شناسان کیفی به جای استفاده از واژگان اعتبار و روایی کمی از معیار ((اعتبار پذیری یا قابلیت اعتماد)) جهت ارزیابی کیفیت نتایج تحقیق کیفی استفاده می‌کنند. قابلیت اعتماد به بیانی ساده، میزانی است که در آن می‌توان به یافته‌های یک تحقیق کیفی متکی بود و به نتایج آن اطمینان کرد (محمد پور، 1392). از نظر گیورگی (1978) نه ارجاع به مشارکت‌کننده‌ها (اعتبار پاسخگو²) برای تائید اعتبار یافته‌ها مورد قبول است و نه استفاده از داوران خارجی برای بازنگری تحلیل‌ها و نتایج تحقیق پدیدارشناسی، به نظر وی تقلیل پدیدارشناسی تنها دلیلی است که با توجه به آن هیچ داور تجربی اضافی برای ارزیابی یافته‌های تحقیق مورد نیاز نیست (به نقل از محمد پور، 1388). بدین دلیل که تقلیل پدیدارشناسی وجه مشخصه پدیدارشناسی توصیفی است و در پرانتزگذاری پیش‌فرض‌ها مرحله مهم در پدیدارشناسی توصیفی است. پیش‌فرض اصلی محقق در این تحقیق جلوگیری از وارد کردن سوگیری‌های محقق و در پرانتز گذاشتن دانش قبلی خود در مورد پدیده است. بعلاوه محقق به صورت مداوم در فرایند «اپوخه» سرگرم می‌شود. بدین منظور محقق برای افزایش آگاهی از فرضیات و سوگیری‌های بالقوه مربوط به پدیده تحت مطالعه (فداکاری) یک فرایند فعال از «در پرانتز گذاشتن» را به طور

1 Trustworthiness

2 Respond validity

مداوم به کار می‌برد و بعد از هر مصاحبه با مروری از مصاحبه در ذهن و تجربه حین مصاحبه، احساسات و واکنش‌ها خود را در یک دفترچه یادداشت ثبت می‌کند. وجود این دفترچه یادداشت به محقق کمک می‌کند تا در صورت بروز افکار و احساساتی که از تعصبات بالقوه نشئت گرفته‌اند آگاهی یافته و توان کنترل آن‌ها را در دیالوگ‌های بعدی لحاظ کرده و تأثیرات این افکار و احساسات را در جهت دادن به مصاحبه در حین تحلیل‌ها نیز اعمال کند.

بعلاوه جهت استحکام داده‌ها در این پژوهش از معیار اعتمادپذیری آن‌گونه که لینکلن و گو با¹ (1981) ارائه داده‌اند، استفاده خواهد شد. بدین منظور در پژوهش حاضر بر اساس این معیار که دربرگیرنده چهار معیار جداگانه اما مرتبط به هم هست بکار گرفته می‌شود: باورپذیری²، اطمینان‌پذیری³، تاییدپذیری⁴ و انتقال‌پذیری⁵ که جهت تعیین این چهار مورد در پژوهش حاضر استراتژی‌های زیر بکار می‌رود:

1. درگیری طولانی‌مدت پژوهشگر با فضای پژوهشی و مشاهدات مداوم او در محیط پژوهش ازجمله اعتمادسازی با افراد موضوع پژوهش، فراگیری فرهنگ آن محیط و کنترل بدفهمی‌های ناشی از مداخله‌های پژوهشگر یا مطلعان.

2. کنترل بیرونی پژوهش از طریق داوری یا گزارش شخص ثالث: گوبا و لینکلن «گزارشگر شخص ثالث»⁶ را وکیل مدافع شیطان می‌دانند (کرسول، 2007) یعنی کسی که پژوهشگر را صادق نگاه

1 Lincoln & Guba

2 credibility

3 dependability

4 conformability

5 transferability

Third-person reporter 6

می‌دارد؛ از او پرسش‌های دشواری درباره‌ی روش‌ها، معانی و تفسیرها می‌کند و صبورانه به سخنان او گوش می‌دهد. برای این کنترل محقق از دانشجویان دکترا می‌گیرد که سابقه پژوهش کیفی دارند استفاده می‌کند و نتایج استخراج‌شده را همراه با رونوشت مصاحبه‌ها در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد تا نظرات خود را در مورد معانی استخراج‌شده بیان کنند که تا چه حد نتایج استخراج‌شده پژوهشگر مطابق با تجربه مشارکت‌کنندگان است؟

3. روشنگری پژوهشگر از همان ابتدا در مورد سوگیری‌های احتمالی خود با ذکر تجربیات قبلی، سوگیری‌ها و تمایلاتی که احتمالاً تفسیرها و رویکردهای مطالعه را شکل داده‌اند. برای این مورد محقق فرایند تقلیل پدیدارشناسی را از طریق در پرانتزگذاری واپوخه را به‌صورت مدارم در جریان جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها استفاده می‌کند.

4. تکنیکی که لینکلن و گوبا آن را حیاتی‌ترین کنترل برای تثبیت اعتبار می‌دانند دریافت نظر شرکت‌کنندگان در پژوهش درباره‌ی اعتبار یافته‌ها و تفسیرهاست (کرسول، 2007). برای این کار پژوهشگر در این پژوهش مصاحبه‌های رونوشت‌شده را به مشارکت‌کنندگان بازمی‌گرداند تا آن‌ها را تأیید نمایند و به‌صورت تلفنی نتایج استخراج‌شده را در قالب زبان طبیعی آن‌ها به اطلاع رسانده می‌شود و از آن‌ها پرسیده می‌شود آیا نتایج استخراج‌شده مطابق با تجارب بیان‌شده آن‌ها است.

5. توضیح مفصل و غنی¹ خوانندگان را برای قضاوت در مورد قابلیت انتقال بودن یافته‌ها کمک می‌کند (کرسول، 2007). با این توصیف دقیق، خواننده می‌تواند تصمیم بگیرد آیا

1 thick description

می‌تواند داده‌ها، روش‌ها یا یافته‌های ارائه‌شده در پژوهش را در محیط دیگری به کار گیرد یا خیر.

ملاحظات اخلاقی

هدف تحقیقات کیفی بررسی تجربه عمیق شرکت‌کنندگان تحقیق است بنابراین رعایت مسائل اخلاقی ضرورت به شمار می‌رود، برای رعایت مسائل اخلاقی در این پژوهش موارد زیر رعایت می‌شود:

1- به مشارکت‌کنندگان در تحقیق توضیح کلی در مورد اهداف تحقیق داده می‌شود.

2- رضایت‌نامه کتبی از مشارکت‌کنندگان در مصاحبه و اجازه‌نامه کتبی جهت ضبط جلسات مصاحبه اخذ می‌گردد.

3- در مورد حفظ رازداری و محرمانه بودن اطلاعات حاصله به مشارکت‌کنندگان اطمینان خاطر داده می‌شود.

4- در تحلیل مصاحبه‌ها از شماره‌گذاری جهت مشارکت‌کنندگان در تحقیق استفاده می‌شود.

منابع:

خجسته مهر، رضا، نو کاریزی، حسن و شیرالی‌نیا، خدیجه. (1393). آیا دیدگاه فهمی، برابر نگری و رفتارهای فداکارانه شوهران ادراک انصاف زنان را پیش‌بینی می‌کند؟ مشاوره کاربردی، 12 (2)، 1 - 14.

خجسته مهر، رضا، کراچیان، محبوبه و شیرالی‌نیا، خدیجه. (1393). نقش واسطه‌ای ادراک رفتارهای فداکارانه همسر در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و کیفیت زناشویی. دو فصلنامه روانشناسی خانواده، 1 (2)، 31-40.

رشیدیان، عبدالکریم (1384). هوسرل در متن آثارش، تهران: نشر نی

سلطانزاده، سیما (1391). بررسی یک مدل پیشنهادی برای پیشایندها و پیامدهای فداکاری در ازدواج در والدین دانش‌آموزان مدارس دخترانه مقطع راهنمایی شهر اهواز. *پایان‌نامه منتشرنشده کارشناسی ارشد*، دانشگاه شهید چمران، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، اهواز.

کاوند، مهربی (1390). بررسی رابطه رفتارهای فداکارانه، انگیزه‌های فداکاری و ادراک انصاف با صمیمیت زناشویی در والدین دانش‌آموزان مدارس ابتدایی شهر بروجرد. *پایان‌نامه منتشرنشده کارشناسی ارشد*، دانشگاه شهید چمران، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، اهواز.

کلانتری، عبدالحسین، روشن‌فکر، پیام و جواهری، جلوه. (1390). مرور سه دهه تحقیقات علل طلاق در ایران. *فصلنامه شورای فرهنگی و اجتماعی خانواده*، 53 (14)، 130-162.

لطف‌آبادی، حسین، نورزی، وحید و حسینی، نرگس. (1385). بررسی آموزش روش‌شناسی پژوهش در روانشناسی علوم تربیتی ایران. *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، 21 (8)، 30-45.

محمد پور، احمد (1388). *ضد روش (جلد اول)*، تهران: انتشارات جامعه شناسان.

محمد پور، احمد (1392). *ضد روش (جلد دوم)*، تهران: انتشارات جامعه شناسان.

منابع لاتین:

Chen, F. M., & Li, T.S. (2007). Marital Enqing: An Examination of Its Relationship to Spousal Contributions, Sacrifices, and Family Stress in Chinese Marriages. *Journal of Social Psychology*, 147(4), 393-412.

Creswell, J. W. (2007). *Qualitative inquiry and research design. Choosing among five traditions*. Thousand Oaks, CA: Sage.

Crotty, M. (1998). *The foundations of social research*. Thousand Oaks, CA: Sage.

Figuerres, K. S., (2008). *Sacrifice in marriage: Motives, behaviors and outcomes*. Brigham Young University.

Fincham, F. D., Stanly, S. M., & Beach, S. R. H., (2007). Transformative processes in marriage: An analysis of emerging trends. *Journal of Marriage and Family*, 69, 275-292.

Giorgi, A. (1997). The theory, practice, and evaluation of the phenomenological method as a qualitative research procedure. *Phenomenological Psychology*, 28(2), 235-260.

Giorgi, A. (2005). The phenomenological movement and research in the human sciences. *Nursing Science Quarterly*, 18(1), 75-82.

Giorgi, A. P., & Giorgi, B. M., (2003). The descriptive phenomenological psychological method. In P. M. Camic, J. E. Rhodes, & L. Yardley (Eds.), *Qualitative research in psychology: Expanding perspectives in methodology and design* (pp. 243-273) Washington, DC: American Psychological Association.

Giorgi, A. (2009). *The Descriptive Phenomenological Method in Psychology*. Duquesne University Press: Pittsburgh, PA.

Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1981). *Effective evaluation*. San Francisco: Jossey.

Husserl, E. (1931). *Ideas: General introduction to pure phenomenology* (W. R. Boyce Gibson, Trans). London: G. Allen and Unwin.

Impett, E. A., & Gordon, A. (2008). For the good of others: Toward a positive psychology of sacrifice. In S. J. Lopez (Ed.), *Positive psychology: Exploring the best in people* (pp. 79-100).

Not complete • Commented [n1]

Impett, E. A., & Gordon, A. (2010). Why do people sacrifice to approach rewards versus to avoid costs? Insights from attachment theory. *Personal Relationships, 17*, 299–315.

Impett, E. A., Gable, S. L., & Peplau, L. A. (2005). Giving up and giving in: The costs and benefits of daily sacrifice in intimate relationships. *Journal of Personality and Social Psychology, 89*, 327-344.

Impett, E. A., Gere, J., Kogan, A., Gordon, A. M., & Keltner, D. (2013). How Sacrifice Impacts the Giver and the Recipient: Insights From Approach-Avoidance Motivational Theory, *Journal of Personality and Social Psychology, 82*(5):390-401.

Impett, E. A., Gordon, A. M., Kogan, A., Oveis, C., Gable, S. L., & Keltner, D. (2010). Moving toward more perfect unions: Daily and long-term consequences of approach and avoidance goals in romantic relationships. *Journal of Personality and Social Psychology, 99*, 948–963 .

Impett, E. A., Javam, L., Le, B., Asyabi-Eshghi, B., & Kogan, A. (2012). The joys of genuine giving: Approach and avoidance sacrifice motivation and authenticity, *Journal of the Interpersonal Association for Relationships Research, 20*(4):740-754.

Impett, E. A., Kogan, A., English, T., John, O., Oveis, C., Gordon, A. M., & Keltner, D. (2012). Suppression sours sacrifice: Emotional and relational costs of suppressing emotions in romantic relationships. *Personality and Social Psychology Bulletin, 38*, 707-720.

Impett, E. A., Le, B. M., Kogan, A., Oveis, C., & Keltner, D. (2014). When you think your partner is holding back: The costs of perceived partner suppression during relationship sacrifice. *Social Psychological and Personality Science, 5*, 542-549.

Kvale, S. (1996). *InterViews: An introduction to qualitative research interviewing*. Thousand Oaks, CA: Sage.

Le, B. M., & Impett, E. A. (2013). When holding back helps: Suppressing negative emotions during sacrifice feels authentic and is beneficial for highly interdependent people. *Psychological Science, 24*, 1809-1815.

Mastekaasa, A. (1994). "Marital Status, Distress, and Well-Being: An International Comparison, *Journal of Comparative Family Studies, 25*, 189-204.

Moustakas, C. (1994). *Phenomenological research methods*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.

Patton, M. Q. (2002). *Qualitative research and evaluation methods (3rd ed)*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.

Polkinghorne, D. (1989). *Phenomenological research methods*. In R. Valle, & S. Halling (Eds.), *Existential-phenomenological perspectives in psychology*. New York: Plenum.

Powell, C., & Van Vugt, M. (2003). Genuine giving of selfish sacrifice? The role of commitment and cost level upon a willingness to sacrifice. *European Journal of Social Psychology, 33*, 403-412.

Righetti, F., Balliet, D., & Visserman, M. (2015). Trust and the Suppression of Emotions During Sacrifice in Close Relationships. *Journal of Social Cognition, 33*, 505-519.

Ruppel, E. K., & Curran, M. A. (2012). Relational sacrifices in romantic relationships: Satisfaction and the moderating role of attachment. *Journal of Social and Personal Relationships, 29*, 508-529.

Sprenkle, D. H., & Piercy, F. P. (2005). *Research Methods in Family Therapy*. New York: Guilford press.

Stanley, S. M., Whitton, S. W., Sadberry, S. L., Clements, M. L., & Markman, H. J. (2006). Sacrifice as a predictor of marital outcomes. *Family Process*, 45, 289–303.

Stanly, S.M.,&Markman,H.J. (1992). Assessin g commitment inpersonal relationships.*Journal of marriage and the family*,54,595-608.

Starks, H., & Trinidad, S. B. (2007). Choose your method: A comparison of phenomenology, discourse analysis,and ground theory, *Qualitative Health Research*, 17:1372-1380.

Swanson, L. B. (2004). *Phenomenology of Divorce for Young Men(unpublished PHD thesis)*. University of UtahIn , Department of Educational Psychology.

Turner, J. P. (1997). *Woman and the experience of later-life divorce after long- term marriage:A phenomenological investigation(unpublished PHD thesis)*. University Of Tennessee, Knoxville.

Van Lange, P. A. M., Agnew, C. R., Harink, F., & Steemers, G. E. M. (1997). From game theory to real life: How social value orientation affects willingness to sacrifice in close relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 73, 1330-1344.

Van Lange, P. A. M., Rusbult, C. E., Drigotas, S. M., Arriaga, X. B., Witcher, B. S., & Cox, C. L. (1997). Willingness to sacrifice in close relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 72, 1373-1395.

Van M. M. (1997). *Researching lived experience: Human science for an action sensitive pedagogy* (2nd Ed). London, Canada: The Althouse Press.

Whitton, S. W., Stanley, S. M., & Markman, H. J. (2007). If I help my partner, will it hurt me? Perceptions of sacrifice in romantic relationships. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 26, 64-92.

okay :Commented [n2]

Wieselquist, J., Rusbult, C. E., Foster, C. A., & Agnew, C. R. (1999). Commitment, pro-relationship behavior, and trust in close relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 77, 942–966.

Zhang, H., Li, T. (2015). The Role of Willingness to Sacrifice on the Relationship Between Urban Chinese Wives' Relative Income and Marital Quality, *Journal of sex & marital therapy*, 41(3), 314–324 .